



جمعه 24 فروردین 1397 - 26 رجب 1439 - 13 آوریل 2018

آغاز دومین دوره مشروطه یا تجدید حیات مشروطیت (1288 ش)

(1288)

دومین دوره مشروطه با افتتاح دومین مجلس شورای ملی در تاریخ 24 فروردین 1288 ش برابر با دوم ذیقعدہ 1327 ق آغاز شد. این دوره با محدودتر کردن مداخله شاه و لغو سیستم صنفی انتخابات به دلیل ناهماهنگی در ترکیب اعضای مجلس شورای ملی و کارشکنی عناصر وابسته به دربار و مداخلات کشورهای خارجی و نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، با مشکلات فراوانی مواجه گردید. مجلس دوم از یک سو با مقاومت در برابر تحمیلات دولت روسیه و انگلیس، رسالتی را که قیام دلیرانه مردم مسلمان ایران برعهده‌اش گذارده بود عمل می‌نمود و از سوی دیگر با استخدام مستشاران خارجی و واگذاری پست‌های مهم به آنان، حیات و نفوذ دوباره روشنفکران غرب‌گرا را جانی دوباره داد. این امر زمینه دخالت بیشتر روس و انگلیس را فراهم آورد و حوادث دردناکی را باعث گردید. قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، آغاز نهضت جنگل در گیلان و قیام تنگستانی‌ها در بوشهر از جمله وقایع مهم و مردمی این دوره به شمار می‌روند. دوره دوم مشروطه با قدرت‌گیری رضاخان و آغاز دیکتاتوری او رو به افول نهاد و دوره سوم مشروطه از 22 بهمن 1302 آغاز شد.

در رابطه با پیمان بغداد- یکی از اتحادیه های نظامی غرب پیرامون شوروی- دولت آمریکا 24 فروردین 1339 (13 آوریل 1960) و در جریان اجلاس سران آن اتحادیه در تهران که پس از کناره گیری عراق به سنتو (سازمان پیمان مرکزی) تغییر نام داده بود، به نیروی هوایی ایران جت جنگنده از نوع «اف — 86» تحویل داد و به این ترتیب، ایران برای نخستین بار دارای جنگنده جت شد. ایران از خرداد 1303 (86 سال پیش) دارای نیروی هوایی است. این نیرو در شهریور 1320 به رغم تسلیم شدن نیروی زمینی (در نتیجه خیانت چند افسر ارشد)، تا آخرین قطره بنزین از آسمان وطن دفاع جانانه کرد. دولت ایران پنج سال پس از دریافت جت اف — 86 از آمریکا، و در جریان جنگ پاکستان و هند، تعدادی از این جنگنده ها را (به صورتی محرمانه و احتمالا به اشاره واشنگتن) در اختیار پاکستان قرارداد. مستشاران نظامی آمریکا در ایران در گزارشها و خاطرات خود که به صورت کتاب انتشار یافته است از مهارت خلبانان ایرانی در بکار بردن جت های جنگنده به ویژه در عملیات آکروبات ابراز شگفتی کرده اند. این مستشاران نوشته اند که این استعداد ایرانی را قبلا نمی توانستند باور کنند. در یادداشت های یکی از این مستشاران (که در خاطرات دولتمردان آمریکایی نیز مورد استناد قرارگرفته است) به میهن دوستی خلبانان نیروی هوایی ایران اشاره شده و چنین آمده است: در چند مورد که هواپیما (جت جنگنده) در حال سقوط بود خلبان ایرانی با اینکه می توانست بیرون بجهد و جان خود را نجات دهد در کابین باقی مانده بود تا آخرین تلاش را جهت نجات جنگنده که برای وطنش ذی قیمت و کمیاب بود بکار برد و جانش را بر سر این احساس که جز وطن دوستی نام دیگری ندارد از دست داد.

"" (10)

حضرت ابوطالب بن عبدالمطب مانند بیشتر رؤسای قریش مردی تاجر بود و پس از درگذشت پدرش، عبدالمطلب، سرپرستی پیامبر اسلام(ص) را از هشت سالگی بر عهده گرفت. در سفری که حضرت محمد(ص) را برای تجارت با خود به شام برد، بشارت پیامبری آن حضرت را از راهبی به نام بُحیرا شنید و در حراست از پیامبر تلاش بیشتری از خود نشان داد. پس از بعثت نیز، ابوطالب، یاور و پشتیبان همیشگی پیامبر بود و در حمایت از ایشان دریغ نمی‌کرد. ابوطالب در حالی که با دیگر مسلمانان در شعب ابوطالب در محاصره‌اش مشرکان مکه بود، در گذشت. در همان سال حضرت خدیجه(س) همسر با وفای پیامبر نیز وفات کرد و رسول خدا(ص) بر اثر شدت غم و اندوه، آن سال را "عامُ الحزن" یعنی سال حزن و اندوه نامیدند.

(1975)

لبنان از آغاز دهه 1970م دوران مصیبت‌باری را آغاز کرد که تا سال 1980م نیز ادامه یافت. در آغاز این دهه، فلسطینیان رانده شده از اردن و نیز نیروهای مسلح سازمان آزادی‌بخش فلسطین به لبنان نقل مکان کردند. استقرار مرکز عملیات این افراد در بیروت و شهرهای دیگر لبنان، بهانه‌ای به رژیم صهیونیستی داد تا این کشور را از زمین و هوا مورد تعرض و تجاوز قرار بدهند. در سال 1975م، اختلاف بین گروه‌های مسیحی و مسلمان در بیروت، در سیزدهم آوریل این سال، به آغاز یک جنگ تمام عیار بین این گروه‌ها منتهی شد که در نتیجه آن، نیمی از شهر بیروت ویران شد. جنگ داخلی در لبنان با حمله شبه نظامیان مسیحی افراطی فالانژیست به یک اتوبوس حامل فلسطینی‌ها و کشتار سی تن از آنها آغاز شد. در پی این کشتار، مسلمانان و ملی‌گرایان لبنان به مقابله با فالانژها برخاستند. چندی بعد با حمله چریک‌های فالانژ به اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی، چریک‌های فلسطینی نیز به صحنه جنگ داخلی لبنان کشیده شدند. جنگ داخلی در لبنان، دخالت سوریه و سپس رژیم صهیونیستی را به دنبال داشت و در پایان دهه 1970م از استقلال و تمامیت ارضی لبنان، چیزی بر جای نمانده بود، چرا که نیروهای سوریه، نیمه شمالی کشور را تحت اشغال خود داشتند و در نوار مرزی جنوب لبنان با فلسطین، یک گروه نظامی که از طرف رژیم صهیونیستی حمایت می‌شدند حکومت خودمختاری به نام لبنان آزاد تشکیل داده و از دستورات دولت مرکزی تبعیت نمی‌کردند. دولت مرکزی لبنان در این زمان حتی در خود بیروت هم تسلط نداشت و شهر عملاً به نواحی خودمختار که در هر کدام یک گروه مسیحی یا مسلمان فرمان‌روایی می‌کردند، تقسیم شده بود. این جنگ خونین داخلی که با تحریک رژیم صهیونیستی آغاز شده بود، تلفات و خسارات فراوانی به لبنان وارد آورد. هدف رژیم صهیونیستی آن بود که چریک‌های فلسطینی و نیروهای مسلمان و ملی‌گرای ضد رژیم اسرائیل در لبنان را در جنگ داخلی درگیر کند و آنان را از حمله به نظامیان صهیونیست باز دارد.